

اخبار کوتاه

راغفر: افزایش قیمت بنزین اقدامی در خدمت الیگارشی است

گروه زیربنایی: حسین راغفر، اقتصاددان درباره احتمال افزایش قیمت بنزین سه خبر ارائه‌ین گفت: این هجمه‌هایی که اخیراً در راستای افزایش نرخ بنزین و ارز راه افتاده یک اتفاق نیست، اینها را باید تحت عنوان «پیشگویی‌های خود محقق» دسته‌بندی کنیم. این اقدام، ابزاری تبلیغاتی و روانشناختی است که نظریه آن در اقتصاد هم‌باز شده‌است. معنای این مفهوم آن است که اگر یک چیز را دالما تکرار کنید، پس از چندی آن مساله محقق خواهد شد. وی ادامه داد: ۳۷ سال گذشته بارها شاهد چنین رویه‌ای بودیم که اول یک بحث را داغ می‌کنند و سپس همان راه به سیاست اجرایی تبدیل می‌کنند. بارها پیش از آنکه نرخ دلار افزایش یابد یا بنزین را گران کنند، شاهد بودیم که این بحث‌ها ابتدا در رسانه‌های زرد و دست راستی طرح شد و سپس در دستور کار سیاستگذاران قرار گرفت و اجرا شد. امروز که دوباره این بحث‌ها به سرتیتر اخبار یکسری رسانه‌ها تبدیل شده، این نگرانی پیش آمده که دوباره دولت بخواهد گران سازی را در دستور بگذارد. از نظر این اقتصاددان استفاده از رسانه به عنوان ابزاری که بتواند جای راست و دروغ را عوض کند و یک اقدام اشتباه را به عنوان تنها سیاست اصولی در جامعه طرح کند، در جهان امروز و ایران مرسوم است. وی با بیان اینکه امروز هم عده‌ای از رسانه‌ها و نزدیکان سرمایه‌داران در پی افزایش نرخ دلار ۱۵۰ هزار تومان و چند برابر کردن قیمت حامل‌های انرژی هستند، ادامه داد: این اقتصاددانان روزنامه‌نگاران و محافل مرتبط با آنها را «مایه‌ای گران‌سازی» می‌نامم زیرا در شرایطی که اقتصاد و به ویژه معیشت مردم ایران در پی سال‌ها گران‌سازی، تعدیل ساختاری و شوک درمانی تحفیف شده و اقداماتی چون گران کردن ارز و بنزین بدون تردید موجب افزایش رنج انسان‌ها، بی‌ثباتی امنیتی، اجتماعی و سیاسی در کشور خواهد شد. درواقع اگر دولت در پی عملی کردن این اقدامات بود یک شوک سهمگین را به کشورمان تحمیل کرده است. راغفر با انتقاد از الیگارشی‌های ایرانی گفت: در وضعیتی که کشور در لبه تیغ جنگ قرار دارد، این انتظار وجود دارد که همه اقشار به یاری یکدیگر بشتابند تا از این بره دشوار بگذریم اما این سرمایه‌داران نوکیسه و غارتگر وطنی به هیچ چیز جز منافع خودشان اهمیت نمی‌دهند و هر گاه هم مشکل یا بحرانی چون جنگ به وجود یابد به سرعت اموال و ثروتهایشان را از ایران خارج می‌کنند. عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا با ذکر این نکته که نفوذی‌های زیادی در کشور وجود دارند، هشدار داد: نفوذی‌ها فقط سراغ بخش نظامی یا سیاست خارج نرفته‌اند و در نظام سیاستگذاری اقتصادی هم لانه کرده‌اند. اینکه در ۳۷ سال گذشته صرفاً یکسری سیاستهای اقتصادی با جهت‌گیری‌های مشخص اجرا شده‌اند که جز شکست و تباهی برای عموم جامعه هم دستاوردی به همراه نداشتند، به باور من سازماندهی شده و حتی محصول نفوذ است. راغفر از جمله اقتصاددانانی است که است سیاستگذاری اقتصادی در ۳۷ سال گذشته را مجموعه‌اشتباه‌و خسارت‌بار می‌دانند. به باور این دسته از تحلیل‌گران، با اینکه تغییر دولتها موجب می‌شد جناحهای مختلف سر کار بیایند که در مسائل بین‌المللی یا فرهنگی رویکردهای متفاوتی دارند اما در حوزه اقتصاد، نگاه حاکم بر همه دولتهای پس از جنگ ثابت باقی مانده است. راغفر توضیح داد: نظام تصمیم‌گیری اقتصادی به طور کلی در تسخیر این جناح است و با هر تغییر دولت، بازم به طور کلی در جای‌جای می‌ماند و در نتیجه سیاستهای اقتصادی هم تغییری نمی‌کنند. این افراد طوری به روسای جمهوری القا می‌کنند که گویی جز این اقدامات راه‌حل دیگری وجود ندارد. به دروغ ادعا می‌کنند اقتصاد کشور دستوری است و باید از گران شدن و گرانه رانت است و روسای جمهوری به هر دلیلی از جمله ناآشنایی با اقتصاد این حرف‌ها را پذیرفته‌اند. او افزود: البته باید این مسائل را در دستور اقتصاد سیاسی حاکم بر کشورمان فهم کنیم. در این بستر، این اقدامات گرچه بخش بزرگی از مردم و تولید ملی را دچار مشکل می‌کند اما منافع بزرگی برای یک اقلیت کوچک به دنبال دارد. اینکه نرخ دلار گران می‌شود به معنای افزایش تورم است اما تورم و دلار گران اگر برای اکثریت دردسار شود، برای آن مایه‌ای گران‌سازی سودهای یادآورده به دنبال دارد. تکرار چنین باره این سیاست‌ها هم مشکلات عمومی را هم‌زمان با حساسه‌های بانکی آن عده قلیلی افزایش می‌دهد و ماریجی تومی را به اقتصاد تحمیل می‌کند. پس از گرانی بنزین، دلار را گران می‌کنند و پس از تضعیف ارزش پول ملی، بهانه لازم برای گرانی دوباره بنزین را می‌گیرند. بنزین را از لیتری ۱۰۰ تومان به سه هزار تومان رساندند و باز هم می‌گویند ارزان است. راغفر تأکید کرد: دولتهای ایران یاد گرفته‌اند که کسری‌های بودجه خود را با تحمیل تورم به جامعه و تضعیف ارزش پول ملی جبران کنند. هر گاه کسری بودجه دارند دست به گران کردن ارز می‌زنند تا از این طریق ناترازی مالی خود را مرتفع کنند. گران کردن دلار به تورم بالا منجر می‌شود و پس از مدتی تورم بالا را بهانه می‌کنند تا دوباره دست به گران‌سازی بنزین بزنند. بعداز گذشت زمانی، دوباره دولت دچار کسری می‌شود و دوباره برای تامین کسری خود، دلار را گران می‌کند و به این ترتیب ماریجی توری ادامه پیدا می‌کند او ادامه داد: افزایش قیمت بنزین و ارز به سرعت بر تمام اقتصاد اثر خواهد داشت و تورم را به همه اقتصاد تحمیل می‌کند. در شرایط آشفته فعلی کشور این دسته از اقدامات موجب افزایش بی‌ثباتی و نابسامانی‌ها خواهد شد. دولت هم متأسفانه هیچ نظارتی بر قیمت‌ها ندارد و به احتمال زیاد توری که از این اقدام ایجاد می‌شود باید بیشتر از آن چیزی باشد که علی‌العموم باید ایجاد شود. او یاد آور شد: اگر نرخ ارز را دولت دستکاری نکرده بود و بالا نبرده بود، اکنون قیمت دلار در حدود ۱۵ هزار تومان می‌بود و در این صورت دیگر قیمت فعلی بنزین گران نبود. اما دولت خودش ارز را گران کرده و همان را بهانه یک اقدام تورم‌زای دیگری می‌کند. به نوعی که گویی این مردم و سفره‌هایشان هستند که تاوان اشتباه دستگا اجرایی می‌پارازند. عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا افزایش قیمت بنزین را به معنای تحمیل یک شوک تازه به جامعه دانست که پیامدهایی به دنبال دارد و از دولت و وزارت اقتصاد خواست پاسخگوی تبعات احتمای این اقدام خود باشند.

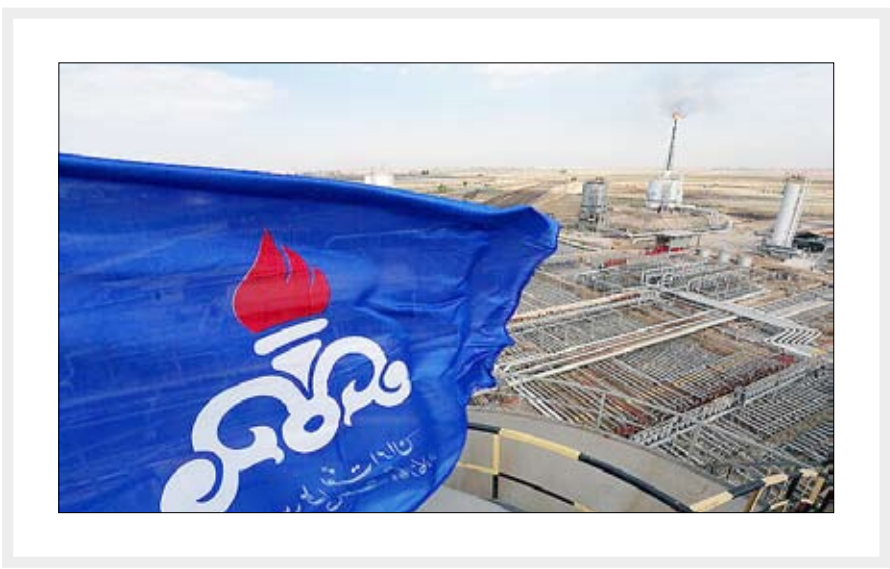
ضعف‌های غیر قابل انکار مدیریتی در موضوع ناترازی‌ها



مهرداد لاهوتی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس به ناترازی برق در کشور اشاره کرد و گفت: ظرفیت اسمی برق در ایران حدود ۹۳ هزار مگاوات است، اما مقدار برقی که عملاً وارد مدار می‌شود تنها بین ۶۱ تا ۶۷ هزار مگاوات است. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس یادآور شد: مصرف برق در سال‌های گذشته به حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار مگاوات رسید و در اوج مصرف تابستان، برق صنایع و ادارات مدیریت می‌شد. وی با انتقاد از توسعه نیروگاه‌های برق آبی گفت که ایران به عنوان کشوری کم‌آب باید تولید برق خود را به سمت منابع دیگر هدایت می‌کرد. لاهوتی افزود: دولت از محل صندوق توسعه ملی به ساخت نیروگاه ۵ هزار مگاواتی کمک کرده و برنامه‌ای برای اورال‌ها ۱۴۰۰ مگاوات نیروگاه‌ها در نظر گرفته شده‌است تا ظرفیت واقعی به ظرفیت اسمی نزدیک‌تر شود. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس همچنین به توسعه پنل‌های خورشیدی اشاره کرد و گفت: حدود ۱۰ تا ۱۵ هزار مگاوات قرارداد برای این بخش بسته شده که به تدریج وارد مدار می‌شود. اظهارات لاهوتی در شرایطی است که موضوع ناترازی با نزدیک شدن به فصل سرما مجدداً جدی شده است.

مجمع تشخیص مصلحت در آستانه یک تصمیم مهم؛

شرکت ملی نفت روی میز واگذاری



است: دولت نفت را استخراج می‌کرد، می‌فروخت و از محل آن، هزینه‌های عمومی، یارانه‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای را تامین می‌کرد. به بیان دیگر، مشروعیت دولت تا حد زیادی بر توانایی دولت در بازتوزیع درآمد نفتی استوار بوده است. با این که دولت نیز در این امر موفق نبوده است، اما خصوصی‌سازی نفت این مشکل را چندین برابر می‌کند. خصوصی‌سازی شرکت ملی نفت، بازتوزیعی که پیش‌تر از آن صحبت شد را بیش از پیش به منطقی سود می‌سپارد؛ یعنی شرکت یا افرادی که نفت را در اختیار می‌گیرند، نه با هدف تامین منافع عمومی بلکه پیش پیش برای بیشینه کردن بازدهی خود تصمیم می‌گیرند. در نتیجه، خصوصی‌سازی شرکت ملی نفت بدون ایجاد شفافیت در مالکیت، نظارت، بازتوزیع و نقش حاکمیتی دولت، به جای کاهش وابستگی بودجه به نفت، آن را از عرصه عمومی به عرصه خصوصی منتقل می‌کند. پیامد چنین روندی، شکل‌گیری طبقه جدیدی است که به دلیل دستیابی به منابع نفتی ثروتمند می‌شود و رانت نفتی به آنها منتقل می‌شود. می‌توان گفت به بیان برخی از کارشناسان، این طرح نوعی انتقال انحصار از دولت به شبکه‌های محدود قدرت و سرمایه می‌تواند تلقی شود. از خلال چنین فرایندی نفت بیش از پیش به دارایی گروه‌هایی بدل می‌شود که پاسخ‌گو به مردم نیستند و شاید تخصص لازم را هم ندارند. در همین زمینه، مرتضی پهلروزی فر، کارشناس نفت، در گفت‌وگو با تجارت‌نیوز در مورد تجربیات خصوصی‌سازی در ایران عنوان کرد: «بخشی را ایجاد کرده‌اند که نه دولتی است و نه خصوصی. به عنوان مثال، پتروشیمی را از یک نهادی تخصصی که کار آن نفت و انرژی و از دهه ۴۰ تجربه اندوخته بود، گرفته‌اند و به نهادهایی داده‌اند که تخصص و تجربه نداشت‌اند. با این کار نه تنها شرایط بهتر نشده، بلکه بدتر هم شده است.»

در معادلات منطقه‌ای است. کنترل دولتی بر شرکت ملی نفت، امکان تنظیم صادرات، تعامل با کشورهای خریدار و هماهنگی با سیاست‌های کلان امنیتی را فراهم می‌کند. خصوصی‌سازی در این بخش، حتی اگر محدود به سهام‌داری یا مدیریت شود، می‌تواند این هماهنگی را مختل کند. یک شرکت خصوصی الزام‌دار راستای اهداف سیاست خارجی عمل نمی‌کند؛ بلکه به سود و بازده سرمایه خود فکر می‌کند. این وضعیت می‌تواند مسیر صادرات نفت را دشوارتر کرده و فضای جدیدی برای رانت و فساد ایجاد کند. در سطح

سخنگوی انجمن سی‌ان‌جی کشور مدعی شد

برنامه کاهش مصرف روزانه ۳۰ میلیون لیتر بنزین



انجام‌شده در اوایل دهه ۸۰ نشان می‌دهد که هیچ راه‌حلی به جز سی‌ان‌جی وجود ندارد. ایسن گزینه نه تنها کم‌هزینه است، بلکه زیرساخت آن به طور کامل وجود دارد و تنها نیاز به حمایت و توجه بیشتر دارد. در مقابل، ساخت پالایشگاه‌ها و دیگر راه‌حل‌ها، بسیار پرهزینه و زمان‌بر بوده و ممکن است امکانات اجرایی آن‌ها با وجود نداشتنه باشد. وی تأکید کرد: در این میان، نقش خودروسازان نیز حائز اهمیت است. با توجه به مصوبات اخیر، خودروسازان موظف شده‌اند که درصد قابل توجهی از تولیدات خود را به خودروهای سی‌ان‌جی اختصاص دهند. این اقدام، گامی مهم در جهت افزایش تقاضا و استفاده بیشتر از این سوخت پاک است. سخنگوی انجمن سی‌ان‌جی

گران شدن بنزین منتفی است



سید کامل تقوی‌نژاد دبیر هیئت دولت در حاشیه جلسه امروز هیئت دولت در جمع خبرنگاران اظهار کرد: در ارتباط با قیمت بنزین و تعیین سهمیه و موارد این چنینی در کار گروه‌ها کار کارشناسی شده، اما در جلسه هیئت دولت هنوز مطرح نشده‌است. دبیر هیئت دولت در پاسخ به پرسشی درباره اخذ جداگانه کارمزدها از مردم در زمینه بنزین، افزود: در دولت چنین مصوبه‌ای نداریم. ممکن است کار کارشناسی انجام شده باشد و در کار گروه‌ها هم مطرح شده باشد اما در زمینه قیمت بنزین هیچ تصمیمی در دولت اتخاذ نشده است. وی یادآور شد: هر سال به نسبت تورم و دستمزدها، کارمز د جایگاه‌ها افزایش پیدا می‌کند، اما در این خصوص نیز تاکنون مصوبه‌ای در دولت نداشته‌ایم.

اظهارات تقوی‌نژاد در شرایطی است که طی هفته‌های اخیر گمانه‌زنی‌های پیرامون احتمال افزایش قیمت بنزین بیشتر شده است. بر خلاف اخبار منتشر شده تا کنون مقام‌های رسمی هر گونه افزایش قیمت سوخت را رد کرده‌اند.

اجتماعی، نفت منبعی است که تا امروز، ابزار توزیع ثروت در جامعه بوده است. با این که تاکنون نهاد مسئولی که این کار را انجام داده ناموفق عمل کرده است و درحقیقت نفت را تنها میان برخی نهاده‌ها توزیع کرده، اما باز هم بخشی از این درآمد ناچاراً به بودجه کشور سرریز شده است. از یارانه‌های انرژی گرفته تا پرداخت حقوق کارکنان بخش عمومی، همگی به نوعی از محل درآمد نفت تامین می‌شوند. در نبود مکانیسم‌های بازتوزیع کارآمد، با خصوصی‌سازی شرکت ملی نفت، بیش از پیش بخشی از جامعه از منافع نفت محروم می‌شود و بخش کوچکی از صاحبان سرمایه از آن سود می‌برند. این وضعیت، نوعی تمرکز مجدد ثروت ملی تلقی می‌شود که در بلندمدت، نارضایتی اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی را افزایش می‌دهد. در نهایت، خصوصی‌سازی شرکت ملی نفت ایران را نمی‌توان تنها از منظر اقتصادی ارزیابی کرد؛ این طرح، مساله‌ای عمیقاً سیاسی است. تا زمانی که نفت نقش اصلی در بودجه، سیاست و توزیع قدرت دارد، هر گونه واگذاری مالکیت یا مدیریتی آن به معنای بازتعریف مناسبات قدرت در درون دولت و میان دولت و جامعه است. در عین حال برخی تلاش می‌کنند در قالب طرح درآمد پایه‌همگانی یعنی اختصاص بخشی از درآمد نفتی به همه شهروندان برای سهمیه شدن آنها در پول نفت، راهی برای کاهش نقش نفت در توزیع رانت ارائه کنند. به بیان دیگر آنها پیشنهاد می‌کنند که در راستای تحقق ملی شدن نفت، بخشی از درآمد حاصل از آن بر پایه طرح چانه‌ی درآمد پایه همگانی یا همان UBI میان مردم توزیع شود. این طرح با در نظر گرفتن نقش نفت در توزیع رانت داده شده است، اما در چنین شرایطی دولت قصد دارد که رانت حاصل از نفت را بیش از پیش منحصر به عده‌ای خاص کند. از این منظر، طرح خصوصی‌سازی را می‌توان بخشی از یک روند بزرگ‌تر دانست که نوعی کالایی‌سازی تلقی می‌شود. دولتی که تا دیروز به واسطه منابع طبیعی نقش تخصصی‌دهنده کلان در اقتصاد داشت، اکنون خود را به عنوان بنگاه عرضه می‌کند که قصد دارد تمامی دارایی‌های خود را به اسم مولدسازی بفروشد. چنین دیدگاهی حتی از توانایی دولت در درک سازوکار مالی سرچشمه می‌گیرد که حاضر است تمامی ثروتهای جامعه را به نفع سود و واگذار کند و باز هم ثبات مالی را برای کشور فراهم نکند.

نفتی که سالیان سال استفاده شده و بسیاری از زیرساخت‌های کشور بر اساس درآمد‌های ناشی از آن ساخته شده، اکنون قرار

است به راحتی در اختیار گروه‌های ذی‌نفع قرار گیرد که کمتر کسی از سوابق آنها خبر دارد و آنها را می‌شناسد. در چنین شرایطی با توجه به وابستگی بودجه به نفت، همچنان مساله تعارض منافع مطرح است. به بیان دیگر، این احتمال وجود دارد که خصوصی‌سازی نفت نه تنها پایان وابستگی به رانت نباشد، بلکه مرحله‌ای جدید از رانتی را آغاز کند که به برخی گروه‌های ذی‌نفع تعلق بگیرد. این همان مرحله‌ای است که در آن، شاید منبع ثروت ملی از بودجه دولت خارج شود، اما همچنان در دست حلقه‌ای محدود از ذی‌نفعان باقی می‌ماند.

کشور خاطرنشان کرد: در حال حاضر سی‌ان‌جی نه تنها یک راه‌حل، بلکه یک ضرورت است. با توجه به ظرفیت‌های موجود و زیرساخت‌های از پیش آماده، این گاز طبیعی فشرده می‌تواند بخش بزرگی از مشکلات کنونی را حل کند. تنها نیاز است که به این پتانسیل بزرگ توجه بیشتری شود و از آن به عنوان ابزاری برای تسکین کمر بحران‌های انرژی و بودجه‌ای کشور استفاده شود. وی با بیان اینکه باید هر چه سریع‌تر سهم مصرف سی‌ان‌جی را در سبد سوخت کشور از این وضعیت نابسامان کنونی نجات دهیم، تصریح کرد: در حال حاضر، روزانه حدود ۱۶ میلیون مترمکعب سی‌ان‌جی عرضه می‌شود، در حالی که ظرفیت باقوه ما به ۴۵ میلیون مترمکعب در روز می‌رسد. اگر هر مترمکعب سی‌ان‌جی معادل صرفه‌جویی یک لیتر بنزین باشد، آنگاه نقش حیاتی این سوخت پاک بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. سهرابی گفت: تکالیف ویژه‌ای برای تولیدخودروهای دوگانه‌سوخت تعیین شده که بخش عمده آن در عهده خودروسازان است. همچنین، مصوبه شورای اقتصادی در سال ۱۳۹۸ درباره دوگانه‌سوز کردن خودروها اگرچه بخش کوچکی از آن اجرایی شد، اما به دلیل برخی چالش‌ها متوقف ماند. خوشبختانه اکنون این مشکلات بر طرف شده و امیدواریم با اجرای کامل آن، سهم سی‌ان‌جی در سبد سوخت افزایش یابد. به گفته وی؛ در شرایط فعلی، با ساختار موجود، پتانسیل جایگزینی ۳۰ میلیون لیتر بنزین با سی‌ان‌جی فراهم است. اگر این رقم را تا قیمت تمام‌شده دولتی (که رئیس‌جمهور در مجلس ۸ هزار تومان اعلام کردند) محاسبه کنیم و با هزینه واردات بنزین (سالانه حدود ۴ تا ۵ میلیارد دلار) مقایسه کنیم، به عددی کلان و قابل توجه دست می‌یابیم که نشان‌دهنده دستاوردهای چشمگیر این طرح است.